



تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

میثم میرزائی تبار^۱

چکیده

شاخ آفریقا یکی از مناطق مهم در این قاره و تأثیرگذار در عرصه بین‌الملل است که از دیرباز و بخصوص در دهه‌ها و سال‌های اخیر ارزش‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و... آن توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است و در حال حاضر بسیاری از آن‌ها در این منطقه فعال هستند. یکی از بازیگران منطقه‌ای فعال در شاخ آفریقا، اسرائیل است که در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، تجاری و... در این منطقه حضور و فعالیت دارد. علل مختلفی برای حضور اسرائیل در شاخ آفریقا وجود دارد که در چارچوب اندیشه ژئوپلیتیک قابل بحث و تحلیل است. سؤال اصلی پژوهش این است که مهمترین علل حضور و فعالیت اسرائیل در شاخ آفریقا کدام‌اند؟ و تحلیل ژئوپلیتیکی این علل چیست؟ پژوهش به دلیل اکتشافی بودن، فرضیه محور نیست. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد استنباطی و تحلیل محتوا (روش) و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای درصدد شناسایی و تحلیل ژئوپلیتیکی علل حضور اسرائیل در فضاهاى ساحلی و آبی شاخ آفریقا است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین علل حضور فعال اسرائیل در فضاهاى آبی و ساحلی شاخ آفریقا عبارت از تسلط بر موقعیت راهبردی شاخ آفریقا، جلوگیری از تسلط کشورهای عربی بر این منطقه، تأثیرگذاری بر مصر، مقابله با نفوذ ایران در شاخ آفریقا و همکاری با آمریکا در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های آن در این منطقه است (یافته‌ها) که هر یک از علل، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارند.

واژگان کلیدی: آفریقا؛ شاخ آفریقا؛ اسرائیل؛ ژئوپلیتیک؛ نفوذ

شماره ۳ (۳۰)

سال ۱۰
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۰/۲۱
صص: ۹۶-۱۲۲



DOI: 10.27834/CSIW.2312.1326.3.30.5

^۱ استادیار، جغرافیای سیاسی، گروه مطالعات ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
m.mirzaeitabar@modares.ac.ir

مقدمه

منطقه شاخ آفریقا فضاهای ساحلی و آبی با ارزش و اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و... در شرق این قاره را شامل می‌شود. فضاهای آبی مجاور این منطقه یعنی خلیج عدن، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ محل و مسیر تردد کشتی‌های بسیاری از کشورهای جهان هستند و نقش مهمی در تجارت جهانی و در نقل و انتقال کالاهای نفتی و غیرنفتی دارند. چهار کشور این منطقه به خصوص کشورهای ساحلی آن یعنی سومالی، جیبوتی و اریتره نیز به تبع فضاهای آبی مذکور، از اهمیت و ارزش بالایی در ابعاد مختلف برخوردار هستند. پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و اهمیت شاخ آفریقا در عرصه بین‌الملل و برای کشورهای جهان، سبب شده است تا بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از گذشته تا کنون حضور فعالی در آن داشته باشند. یکی از بازیگران منطقه‌ای فعال در فضاهای آبی و ساحلی شاخ آفریقا، اسرائیل است. حضور اسرائیل در این منطقه، در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، تجاری و... است و بیشترین روابط را با کشورهای اتیوپی و اریتره و کمترین روابط را با جیبوتی و دولت مرکزی سومالی در شاخ آفریقا دارد. براساس اطلاعات منتشر شده در منابع رسمی و غیررسمی معتبر، اسرائیل با اریتره، اتیوپی و همچنین منطقه سومالی‌لند در سومالی در ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اقتصادی، تجاری، کشاورزی و... همکاری و در این مناطق حضور و نفوذ دارد. به تبع فعالیت در فضاهای سرزمینی و ساحلی شاخ آفریقا، اسرائیل در محیط‌های آبی این منطقه نیز فعال است.

رصد، بررسی و تحلیل حضور و فعالیت‌های اسرائیل در شاخ آفریقا نشان می‌دهد که در کنار علل و علایق سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... که برای حضور و فعالیت این بازیگر منطقه‌ای مطرح است، در بطن و محتوای آن‌ها مؤلفه ژئوپلیتیکی و نقش آفرینی عناصر جغرافیا، سیاست و قدرت را هم می‌توان درک کرد و فعالیت‌های آن را از بعد ژئوپلیتیکی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد. این مسئله به دلیل نگاه و زاویه تحلیلی جدید به حضور اسرائیل در شاخ آفریقا از اهمیتی خاص برخوردار است.

با توجه به اهمیت و ایفای نقش اثرگذار منطقه شاخ آفریقا و فضاهای آبی و ساحلی آن در تحولات بین‌المللی و برای کشورهای مختلف جهان، نیاز به شناخت چگونگی و تبیین و تحلیل ژئوپلیتیکی حضور و رفتار بازیگران از جمله اسرائیل در این منطقه ضرورت دارد. این پژوهش

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

درصدد شناسایی ابعاد و تحلیل علل و علایق حضور اسرائیل در فضاهاى ساحلى و آبی شاخ آفریقا و رابطه این علل با ژئوپلیتیک و مفاهیم در بر دارنده آن است. پژوهش از نظر ماهیت، در گروه تحقیقات علمی - توصیفی و از نظر شیوه نگرش در دسته تحقیقات «توصیفی - تحلیلی» قرار دارد که با روش کیفی و رویکرد استنباطی و تحلیل محتوا و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله، گزارش‌های علمی، اخبار و تحلیل رسانه‌های معتبر بین‌المللی و... به انجام رسیده است. در واقع، روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. روش تحلیل نیز تبیینی (علی)، و متغیر مستقل «ژئوپلیتیک» و متغیر وابسته «حضور اسرائیل در شاخ آفریقا» است.

۱- پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در منابع علمی انگلیسی و عربی، در ارتباط با فعالیت‌های اسرائیل در شاخ آفریقا و علایق و علل آن، پژوهش‌هایی انجام شده؛ اما در آن‌ها، این موضوع به صورت جامع و از منظر ژئوپلیتیک مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. در منابع فارسی نیز سابقه پژوهش با ویژگی‌های مذکور دیده نشد. با وجود این، عباسی، قیاسی و باباجانی پور (۱۳۹۲) در مقاله «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل» در شماره ۱ دوره ۲۷ فصلنامه سیاست خارجی با اشاره به اتیوپی، این کشور را یکی از کشورهای مورد توجه در راهبرد اتحاد پیرامونی اسرائیل معرفی می‌کند. شادمانی و یزدانی (۱۳۹۷) در مقاله «دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل» در شماره ۴۰ دوره ۱۰ فصلنامه مطالعات سیاسی، راهبرد اتحاد پیرامونی اسرائیل را مورد بحث قرار می‌دهد و در بخشی از پژوهش خود، به اتیوپی به‌عنوان یکی از کشورهای مهم شاخ آفریقا اشاره می‌کند. عبد الجواد محمد (۲۰۱۹) در مقاله «السیاسة الإسرائيلية نحو القرن الإفريقي وتأثيرها على الأمن القومي العربي وأمن منطقة البحر الأحمر» در شماره ۴ دوره ۱۰ مجله علمی للدراسات التجارية والبيئية، راهبرد اسرائیل در منطقه شاخ آفریقا و تأثیر آن بر امنیت ملی اعراب و امنیت منطقه دریای سرخ پس از سال ۲۰۱۱ را بررسی کرده است. محارب (۲۰۱۳) نیز در مقاله «إسرائيل والقرن الأفريقي: العلاقات والتدخلات» در شماره ۳ مجله سیاست عربیه علایق و

مداخلات اسرائیل در منطقه شاخ آفریقا و به طور خاص در دو کشور اتیوپی و اریتره را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- ژئوپلیتیک و مفاهیم زیرمجموعه آن

ژئوپلیتیک: عبارت است از درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد (عزتی، ۱۳۸۰: ۷). ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۷). ژئوپلیتیک بر پایه هر رویکردی تعریف شود، در چارچوب جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد؛ چون دو عنصر جغرافیا و سیاست به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آن نقش ذاتی دارند. ژئوپلیتیک شامل آن بخش از معرفت و ماهیت جغرافیای سیاسی است که در پیوند با مؤلفه قدرت است. به این معنا که رابطه متقابل جغرافیا و سیاست را در پیوند با قدرت بررسی می‌کند. چه در حالتی که بازیگران برای تولید قدرت، ارزش‌های جغرافیایی را مورد توجه قرار می‌دهند و چه زمانی که بازیگران بر پایه قدرت و ادراکی که از خود دارند با دیگر بازیگران در فضای جغرافیایی به تعامل در قالب همکاری و هم‌آوردی، همگرایی و واگرایی، جنگ و صلح، احترام متقابل، سلطه و زیر سلطه می‌پردازند (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۳).

تعلق و علائق ژئوپلیتیکی: عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰). این مکمل‌های فضایی و جغرافیایی در خصیصه‌های طبیعی و انسانی است که همسویی واقعی یا تصویری با منافع آن کشور دارد. علائق ژئوپلیتیکی واقعی، در جهت تأمین منافع کشورها عمل می‌کنند و کشورهای مختلف از این طریق می‌توانند در جهت تقویت وزن ژئوپلیتیک خود تلاش کنند. میزان فرآوری علائق ژئوپلیتیکی تابع سطح قدرت کشورها است. چنانچه قدرت یک کشور در ابعاد مختلف رو به گسترش باشد، علائق

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

ژئوپلیتیکی بسط یافته و حلقه آن‌ها در فضای جغرافیایی گسترش می‌یابد (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۹۶: ۹-۱۰).

کد ژئوپلیتیکی: عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۴؛ Taylor, 1994: 330). کدهای ژئوپلیتیکی هر کشور اختصاصی آن می‌باشد و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیکی دیگران اثر گذاشته و آن را مورد هدف قرار دهند. کدهای ژئوپلیتیکی به عنوان پیش فرض‌های استراتژیکی عناصر و شکل دهنده سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور دیگر را «برنامه‌های تصویری و ذهنی» نیز می‌نامند که یک کشور آن را براساس ادراک و ارزیابی خود از اهمیت استراتژیکی مکان‌های جغرافیایی ماورای مرزهای خود و نیز پتانسیل تهدیدی که تولید می‌کنند می‌سازند. کدهای ژئوپلیتیکی در سه سطح محلی منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۴).

چالش ژئوپلیتیکی: عبارت است از وضعیت یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی. به عبارتی، منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب. کشورها و دولت‌ها برای ضربه زدن به رقیب خود یا محدود سازی قدرت مانور و عمل آن از ابزارها و روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. یکی از روش‌ها و ابزارها، کاربرد جغرافیا و ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی علیه دیگران است. هدف اصلی هر چالش ژئوپلیتیکی، ایجاد انفعال در طرف مقابل به منظور تغییر رفتار آن می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

انزوای ژئوپلیتیکی: عبارت است از کاهش یا قطع ارتباط یک کشور با سایر کشورهای سیستم جهانی و منطقه‌ای در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی و... به عبارتی انزوای ژئوپلیتیکی عبارت است از افزایش آنتروپی و درجه میرایی کشور و واحد سیاسی-فضایی بر اثر کاهش روابط سیستمی با سایر عناصر سیستم یا کشورها (کاهش سطح درونداد و برون‌داد با سایر عناصر). انزوای ژئوپلیتیکی موجودیت سیستم سیاسی کشور، ثبات سیاسی، آرامش اجتماعی، امنیت ملی و بالاخره موجودیت کشور را تهدید می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

راهبرد ژئوپلیتیکی: راهبرد ژئوپلیتیک یک کشور به چگونگی روابط با کشورهای کلیدی و نقش آفرینی در نظام بین الملل ارتباط دارد (بیوک و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۴) و عبارت از راهبرد و خط مشی متخذه از سوی یک دولت یا سازمان و ائتلاف بین المللی علیه رقبای خود برای رسیدن به اهداف و منافع ملی با استفاده از عوامل جغرافیایی است (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

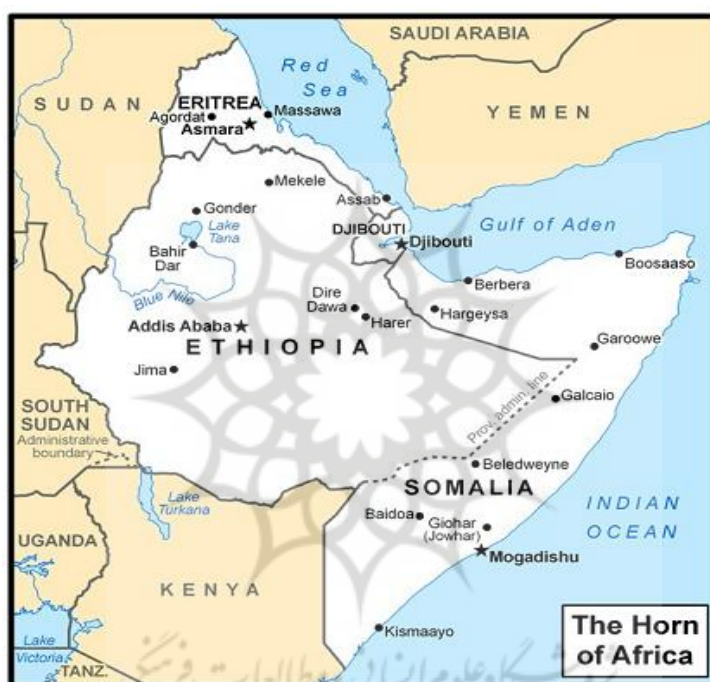
قلمرو، قلمرو ژئوپلیتیکی و قلمروسازی: قلمرو در بردارنده چندین جزء مهم زندگی و قدرت اجتماعی شامل عناصر مادی از قبیل سرزمین، عناصر کارکردی مانند کنترل فضا و عناصر نمادینی مانند هویت اجتماعی است (Anssi, 2003: 109). قلمرو ژئوپلیتیکی عبارت است از فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژی و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. به عبارتی کشورها و سرزمین‌ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز قرار دارد، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در ارتباط با مفهوم قلمروسازی، ساک این مفهوم را از نگاهی غیر از نگاه صرف جغرافیایی تعریف می‌کند و می‌نویسد: قلمروسازی استراتژی انسان برای تسلط بر مردم و اشیاء با تسلط بر مناطق است. قلمروسازی اصطلاح اولیه جغرافیایی از قدرت اجتماعی است که توسط حکومت‌ها برای کنترل شهروندان و روابط خارجی با استفاده از ابزارهای مادی و غیرمادی (ایدئولوژیک) قدرت در مقیاس‌های مختلف عملیاتی می‌شود (Agnew & Others, 2003: 111).

۲-۲- منطقه شاخ آفریقا

شاخ آفریقا نام قلمرو جغرافیایی ناهمگونی در شرق آفریقا است که در آن از اقلیم‌های متفاوت و پستی‌ها و بلندی‌های گوناگون تا مردمانی وابسته به فرهنگ‌ها و ادیان متفاوت مسیحی، مسلمان، یهودی و بت پرست، موزائیکی را به وجود آورده‌اند که فقط از منظر سیاسی و استراتژیک از وحدت برخوردارند و در دیگر وجوه، هماهنگی و وحدت ندارند. این منطقه از شرق و جنوب شرقی به اقیانوس هند، از شمال به خلیج عدن و از شمال شرقی به دریای سرخ محدود می‌شود (امیراحمدیان، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۱). این منطقه، چهار کشور سومالی، اتیوپی، اریتره و جیبوتی را در بر می‌گیرد (Hassig and Abdul Latif, 2007: 7). در یک دهه گذشته، تحولات اقتصادی و امنیتی در شاخ آفریقا، این منطقه و به‌ویژه خط ساحلی آن را به یکی از مهم‌ترین مکان‌های ژئواستراتژیک

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

جهان تبدیل کرده است. شاخ آفریقا از نظر اقتصادی نقش مهمی دارد و در مجاورت یکی از مهم‌ترین شریان‌های تجاری جهان قرار دارد که از اقیانوس هند از طریق دریای سرخ و کانال سوئز و عبور از تنگه باب‌المنندب بین جیبوتی و یمن به اروپا می‌رسد. تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های ژئوپلیتیکی در این منطقه در حال افزایش است (Van den Berg & Meester, 2019: 4).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی شاخ آفریقا (Woo, 2014: 84)

۳-۲- دکتربین پیرامونی

«دکتربین پیرامونی» در اواخر دهه ۱۹۵۰ به‌عنوان یک سیاست و راهبرد در سیاست خارجی اسرائیل پیگیری شد و یک سیاست و جهت‌گیری مهم برای تحقق امنیت و مشارکت، برقراری ارتباطی فراتر از هسته اصلی غرب آسیا عربی و به صورت عمیق‌تر با ترکیه، ایران، اتیوپی و همچنین اقلیت‌هایی در کشورهای همسایه (کردهای عراق و مارونی‌های لبنان) بود (Zielińska, 2020: 219-220). محدوده جغرافیایی «پیرامون» در سیاست و راهبردهای اسرائیل به وضوح تعریف نشده

است. مفهوم اولیه آن بر دو مثلث متمرکز بود که برای ایجاد اتحادها تلاش‌هایی صورت گرفت؛ یک مثلث شامل اسرائیل به اضافه ترکیه و ایران به سوی شمال و دیگری، اسرائیل به اضافه اتیوپی و سودان به سوی جنوب بود. دکترین پیرامونی در اوایل دهه ۱۹۶۰ در عمل کل آفریقای جنوب صحرا را شامل و پس از آن به شرق آفریقا محدود شد (Zielińska, 2020: 223). در حالی که اسرائیل در آغاز، در دکترین پیرامونی امیدوار بود تا بتواند از طریق پیمانی با قدرت‌های غربی که مایل به تضعیف قدرت شوروی بودند، یک موازنه مستحکم متقابل در برابر کشورهای عربی در منطقه ایجاد کند، اما چند واقعیت مانع و باعث ناامیدی از این سیاست شد. عدم تمایل سه شریک کلیدی یعنی ترکیه، ایران و اتیوپی برای اعلام علنی روابط نزدیک با اسرائیل و نگرش مبهم ایالات متحده آمریکا و همچنین فرانسه و بریتانیا به تلاش‌های منطقه‌ای اسرائیل و به دنبال آن تغییرات ژئوپلیتیکی بعدی ناشی از جنگ داخلی اتیوپی (۱۹۷۴)، روند صلح اسرائیل و مصر (۱۹۷۹-۱۹۷۷) و وقوع انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) منجر به افول «دکترین پیرامونی» شد. در دوران معاصر این راهبرد قبل از هر چیز بر ادغام اسرائیل در ساختار روابط بین‌المللی برای ایجاد پشتوانه سیاسی و فرصت‌های توسعه برای اقتصاد آن متمرکز است و در ارتباط با همسایگان عربی نیز نقش بازدارنده در موضوعات امنیتی را ایفا می‌کند. همچنین این دکترین در پی دستیابی اسرائیل به مزایای توسعه‌ای در موضوع پروژه‌های زیرساختی، انتقال فناوری، توسعه فعالیت‌های اقتصادی در همکاری با سایر کشورها است (Zielińska, 2020: 241).

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- فعالیت‌های اسرائیل در شاخ آفریقا

مناطق و کشورهای آفریقایی همواره یکی گزینه‌های مورد علاقه اسرائیل در برنامه سیاست خارجی بوده است. در میان مناطق آفریقا، شرق این قاره و خصوصاً شاخ آفریقا به دلایل سیاسی، اقتصادی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و... از اهمیت بیشتری برای اسرائیل برخوردار است.

اسرائیل از اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی، اهمیت ویژه‌ای برای شاخ آفریقا و کشورهای آن به‌ویژه اتیوپی و اریتره و همچنین سودان، قائل بوده است (محارب، ۲۰۱۳: ۴۹) و توجه ویژه‌ای به تقویت

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

روابط دوجانبه و امنیتی با کشورهای شرق آفریقا به ویژه اتیوپی، اوگاندا و جیبوتی دارد تا با کنترل این منطقه، از تبدیل دریای سرخ به یک دریاچه عرب جلوگیری کند. همچنین در پی کنترل تنگه باب‌المنندب به‌عنوان یک نقطه اصلی برای حرکت اسرائیل به سمت آسیا و آفریقا و تضمین منافع اقتصادی و تجاری خود از این طریق است. علاوه بر این موارد، اسرائیل اهداف مرتبط با اقدامات اطلاعاتی، صنایع نظامی و تسلیحاتی و دفاع از منافع متحدین غربی و پایگاه‌های نظامی آن‌ها در این قاره را دارد. بر این اساس، محاسبات امنیتی و نظامی سران اسرائیلی، روابط با قاره آفریقا را در اولویت ویژه قرار می‌دهد و این باعث می‌شود تا همکاری‌های نظامی و تسلیحات ارائه شده توسط اسرائیل به کشورهای آفریقایی، سنگ بنایی برای برقراری روابط متقابل با آن‌ها باشد (محمود، ۲۰۱۸/۱۰/۱۱).

اسرائیل از ابتدای شکل‌گیری خود همواره به اهمیت استراتژیک دریای سرخ به‌عنوان بخشی از منطقه شاخ آفریقا به ویژه از نظر اقتصادی و امنیتی توجه داشته و دریای سرخ را نه تنها از نظر حمل و نقل کالا، برای خود مهم تلقی کرده، بلکه از نظر امنیتی آن را عقبه دفاعی و نوار محاصره کشورهای عربی مخالف خود دانسته است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

منطقه شاخ آفریقا به‌ویژه کشورهای اتیوپی و اریتره از نظر جغرافیایی به اسرائیل و دریای سرخ و خروجی آن یعنی تنگه باب‌المنندب نزدیک هستند که از اهمیت ویژه‌ای در امنیت عبور دریایی و مسیرهای هوایی به شرق و جنوب آفریقا برای تل‌آویو برخوردارند (Oded, 2010: 124). راهبرد اسرائیل در دریای سرخ به‌عنوان بخش مهمی از منطقه آبی مجاور شاخ آفریقا بر بنیان‌های ذیل استوار است:

۱. جلوگیری از محاصره شدن توسط اعراب و در صورت امکان، محاصره آن‌ها؛
 ۲. تضمین آزادی کشتیرانی در دریای سرخ به ویژه تنگه باب‌المنندب؛
 ۳. جلوگیری از تسلط یک کشور عربی بر تنگه‌های تیران و باب‌المنندب؛
 ۴. مقابله با بنیادگرایی اسلامی در حوزه دریای سرخ به‌ویژه در سودان.
- اسرائیل در راستای تحقق این استراتژی‌ها به روش‌های ذیل عمل کرده است:

۱. مبارزه برای آزادی کشتیرانی در تنگه تیران؛
۲. تلاش در جهت بین‌المللی کردن تنگه تیران؛

۳. برقراری روابط نزدیک با اتیوپی و اریتره؛
 ۴. حضور نظامی مستقیم در جزایر نزدیک به تنگه باب‌المنذب؛
 ۵. استفاده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در شاخ آفریقا؛
 ۶. تشویق قدرت‌های بزرگ به دخالت در مسائل منطقه (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۳۶-۱۳۵).
- در میان کشورهای شاخ آفریقا، بیشترین توجه اسرائیل به برقراری و توسعه روابط در ابعاد مختلف با اتیوپی و اریتره است. مؤسسه تحقیقاتی استراتفور در ارتباط با حضور اسرائیل در شاخ آفریقا و اریتره در گزارشی آورده است: «براساس منابع دیپلماتیک و رسانه‌ای استراتفور، اسرائیل تیم‌های دریایی کوچکی را در مجمع‌الجزایر دهلک و بندر ماسوا و یک پست شنود در امبا سویرا دارد» (Shazly, 2012).
- اسرائیل از اولین بازیگرانی بود که اقدام به تأسیس نمایندگی در اسمره در اریتره کرد و هنگامی که دولت موقت این کشور در سال ۱۹۹۱ تشکیل شد، در ماه مارس نمایندگی تبدیل به سفارت شد. اسرائیل در سال ۱۹۹۳ میلادی و پس از استقلال اریتره روابط خود را با این کشور آغاز کرد. موقعیت استراتژیک اریتره به واسطه مشرف بودن به تنگه باب‌المنذب و همچنین برخورداری این کشور از ساحل طولانی (بیش از هزار کیلومتر) در امتداد دریای سرخ که بنادر مهم و جزایر استراتژیک زیادی بر روی آن قرار دارند، از جمله مهمترین عوامل ترغیب اسرائیل به برقراری روابط با اریتره است (محارب، ۲۰۱۳: ۴۸). اریتره بخش جدایی‌ناپذیری از امنیت دریای سرخ است، چون شمال شرق آن به صورت مستقیم در ساحل دریای سرخ امتداد دارد و رو به سواحل عربستان سعودی و یمن است. بنابراین، اسرائیل به دلیل اهمیت زیاد اریتره، برای تحکیم روابط خود با آن تلاش کرده است (عبد الجواد محمد، ۲۰۱۹: ۳۵۴).
- پس از استقلال اریتره، اسرائیل روابط محکمی با این کشور برقرار کرد و قراردادهای امنیتی و اقتصادی میان آن‌ها به امضاء رسید (محارب، ۲۰۱۳: ۴۸). روابط اریتره و اسرائیل در زمینه‌های مختلف از جمله راه‌اندازی کشاورزی با آبیاری قطره‌ای و مقابله با جنبش‌های آزادی‌خواه سابق توسعه پیدا کرد. علاوه بر این، در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۵، وزارت زیرساخت ملی اسرائیل^۱ که قبلاً وزارت انرژی نام داشت، با همکاری اداره معادن اریتره مطالعات زمین‌شناسی را در این کشور انجام داد.

¹ Israeli Ministry of National Infrastructure

در این مطالعات، نقشه‌برداری از ذخایر معدنی، انرژی و آب اریتره صورت گرفت (Bayram, 2018: 69).

در سال ۱۹۹۵ میلادی، اسرائیل و اریتره توافقنامه مهمی را در زمینه همکاری‌های نظامی و امنیتی امضاء کردند. اسرائیل انواع تسلیحات پیشرفته را در اختیار نیروهای زمینی، دریایی و هوایی اریتره قرار داد و صدها کارشناس نظامی و فنی برای آموزش به ارتش اریتره و یگان‌های ویژه ارتش، نیروهای امنیتی و پلیس به اریتره فرستاده است (محارب، ۲۰۱۳: ۴۸). براساس برخی گزارش‌ها، اریتره در اواخر سال ۱۹۹۵ و در جریان درگیری با یمن بر سر جزایر هنیش^۱، میزبانی پایگاه دریایی اسرائیل را پذیرفت و مورد پشتیبانی لجستیکی این پایگاه قرار گرفت (Bayram, 2018: 69).

اسرائیل تعدادی پایگاه نظامی از جمله پایگاه‌های «رواجیات» و «مکه‌لاوی» در مرزهای سودان و پایگاه‌های هوایی در جزایر حالب و فاطمه در تنگه باب‌المنندب راه‌اندازی، و نیروهای دریایی خود را نیز در جزایر دهلک و بندر ماساوا در اریتره مستقر کرده است (عبد الجواد محمد، ۲۰۱۹: ۳۵۴). بسیاری از منابع گزارش داده‌اند که اسرائیل از پایگاه نظامی خود در جزیره فاطمه به‌عنوان بندر نظامی و از پایگاه خود در جزیره حالب به‌عنوان پایگاه شنود در آن منطقه مشرف به تنگه باب‌المنندب استفاده می‌کند (محارب، ۲۰۱۳: ۴۸).

اسرائیل از جزایر اریتره که بیش از ۳۶۰ جزیره در امتداد ساحل آن در دریای سرخ است نیز استفاده می‌کند و واحدهای امنیتی و شبکه‌های اطلاعاتی و شنود حضور پررنگ دارند. اسرائیل روابط خوب خود را با اریتره حفظ کرده و در تلاش برای جلوگیری از گرایش این کشور به سوی هویت عربی و مهار روندهای سیاسی لیبرالی در جامعه اریتره که گرایش‌های عربی و اسلامی دارند، است (عبد الجواد محمد، ۲۰۱۹: ۳۵۴).

علاوه بر روابط قوی نظامی اسرائیل با اریتره، بسیاری از شرکت‌های اسرائیلی در زمینه‌های مختلف در این کشور فعال هستند (محارب، ۲۰۱۳: ۴۹). اسرائیل موفق به ایجاد شرکت‌های مختلط با سرمایه اسرائیلی و آفریقایی مانند شرکت «تاجی» و راه‌اندازی بیمارستان‌هایی مانند بیمارستان «ماساوا» در اریتره شده است (یعقوب، ۲۰۱۷؛ جوده شقلیه، ۲۰۱۳: ۱۲۴-۱۲۳).

¹ Hanish islands

اتیوپی و کشورهای حوضه نیل به طور کلی تهدیدی برای امنیت کشورهای عربی وابسته به این رود به ویژه مصر و سودان هستند، لذا اسرائیل با ایجاد کانال‌هایی برای تبادل اطلاعات با سرویس‌های اطلاعاتی اتیوپی و هدایت آن‌ها به سوی جنبش‌های آزادیبخش آفریقایی و عربی، از موقعیت جغرافیایی اتیوپی در سواحل شرقی آفریقا استفاده و در ساخت سد در امتداد نیل به اتیوپی کمک کرده است. آنچه ورود اسرائیل به این عرصه را تسهیل کرد، عدم تخصص فنی اتیوپی در زمینه مذکور و ضعف اقتصادی این کشور بود. اتیوپی از دهه ۱۹۹۰ میلادی به کمک‌های اقتصادی اسرائیل در بسیاری از زمینه‌های کشاورزی، بهداشت، توسعه و امور فنی نیاز داشت (عبد الجواد محمد، ۲۰۱۹: ۳۵۵-۳۵۴).

آدیس آبابا پایتخت اتیوپی یک مرکز مهم برای فعالیت‌های اطلاعاتی اسرائیل، نه تنها در اتیوپی بلکه به طور وسیع‌تر در قاره آفریقا و کشورهای عربی بوده است. اسرائیل در فعالیت‌های اطلاعاتی خود از وسایل و پوشش‌های مختلف استفاده می‌کند. به عنوان مثال، در اواسط دهه پنجاه قرن گذشته میلادی، یک شرکت تجاری به نام «آنکودا» با موضوع صادرات گوشت گاو اتیویایی، تأسیس شد. این شرکت پوشش و ابزار برای فعالیت‌های سرویس اطلاعاتی اسرائیل یعنی موساد در آفریقا و کشورهای عربی بود. یکی از مدیران سابق این شرکت در گفتگو با روزنامه یدیعوت آحارونوت فاش کرد که «آنکودا یک ایستگاه اطلاعاتی اسرائیل در آفریقا بود. ما سلاح‌های زیادی داشتیم و پوششی برای انجام یک مأموریت امنیتی بزرگ ایجاد کردیم و اعضای انجام دهنده مأموریت، از طریق ما با افراد مورد هدف خود در کشورهای عربی تماس برقرار می‌کردند. ما پوشش فعالیت‌های موساد بودیم. هنگامی که آن‌ها می‌خواستند کسی را به یک کشور عربی بفرستند، آن فرد را از طریق ما ارسال می‌کردند.» (محارب، ۲۰۱۳: ۴۴-۴۳).

اسرائیل شرکت‌های صنعتی و تجاری را در آفریقا تأسیس کرده است. این شرکت‌ها به دلیل قدرت مالی، داشتن برنامه‌های توسعه و مشارکت در حمایت از مؤسسات اقتصادی جامعه توانسته‌اند اقتصاد آفریقا را کنترل کرده و امتیازات ویژه‌ای کسب کنند. اسرائیل در منطقه شاخ آفریقا، شرکت‌های هواپیمایی مانند فرودگاه بین‌المللی آدیس آبابا را تأسیس و مدارس و دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه امپراتور هایل سلاسی در اتیوپی راه‌اندازی کرده است. این شرکت‌ها وارد بخش‌های مختلف اقتصادی آفریقا شده و به سودهای کلانی رسیده‌اند که به افزایش نفوذ اسرائیل در منطقه

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

کمک کرده است. اسرائیل همچنین برای فعال کردن بخش مبادلات تجاری میان خود و کشورهای منطقه، دفاتر تجاری در کشورهای این قاره افتتاح و توسعه مبادلات تجاری را تسهیل کرده است. اتیوپی و کنیا اولین شرکای تجاری اقتصادی اسرائیل در آفریقا هستند. آمارهای «مؤسسه صادرات و همکاری‌های بین‌المللی اسرائیل» نشان داد که بیش از ۸۰۰ شرکت و صادرات‌کننده اسرائیلی علاوه بر آفریقای جنوبی در اتیوپی و کنیا فعالیت می‌کنند. فعالیت‌های اسرائیل همچنین در بخش بهره‌برداری از منابع معدنی در منطقه افزایش یافته است و برخی شرکت‌های اسرائیلی در بخش استخراج الماس در جیبوتی و کنیا و بهره‌برداری از معادن آهن در اوگاندا فعال هستند (یعقوب، ۲۰۱۷؛ جوده شقلیه، ۲۰۱۳: ۱۲۴-۱۲۳).

آبی احمد علی، نخست‌وزیر اتیوپی در آگوست ۲۰۱۹ میلادی در سفری رسمی وارد اسرائیل شد. بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار با وی خواستار افزایش هماهنگی و همکاری‌های امنیتی میان اتیوپی و اسرائیل شد. این موضوع تلاشی برای نفوذ بیشتر اسرائیل در قاره آفریقا قلمداد می‌شود (Middle East Monitor, 2 September 2019).

کشور مورد هدف دیگر اسرائیل در شاخ آفریقا، سومالی است. این کشور یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین کشورهای منطقه شاخ آفریقا است. سومالی برای اسرائیل اهمیت اساسی و نقش مهمی در جهت‌گیری سیاست خارجی آن در ارتباط با آفریقا دارد. سیاست اسرائیل در قبال سومالی در دوره بین استقلال این کشور تا سقوط دولت در آن متناقض بود، اما در نهایت در پی برقراری روابط کامل دیپلماتیک با سومالی و عادی‌سازی روابط با آن به هر قیمتی است. اسرائیل در سال‌های اخیر در پی حضور در دولت خودمختار سومالی‌لند در کشور سومالی بوده است. یکی از راه‌های ورود به این منطقه از طریق تاجران اسرائیلی بوده که اغلب در خدمت اهداف اسرائیل هستند. در سال ۲۰۰۱ میلادی، بازرگانانی از «هلدینگ بین‌المللی شالویت ای.اس» از سومالی‌لند به منظور سرمایه‌گذاری در آن بازدید کردند. بازرگانان اسرائیلی این گونه تبلیغ کردند که پروژه‌های آنها برای ایجاد و بازسازی امکانات حیاتی در سومالی‌لند و در خدمت منطقه است که توسعه و بهسازی فرودگاه و بندر بریرا و ایجاد دفتر ارتباط در آنها، آسفالت و بهسازی جاده‌های منتهی به فرودگاه و بندر و بازسازی مرکز شهر که در اثر جنگ داخلی ویران شده است و همچنین انجام پروژه‌های کشاورزی و سرمایه‌گذاری در معادن را شامل می‌شود. در نوامبر ۲۰۰۱ میلادی، توافق‌نامه‌ای میان

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اسرائیل و سومالی‌لند به امضاء رسید و مفاد آن ارائه کمک‌های نظامی اسرائیل به سومالی‌لند و آموزش پرسنل آن بود. هدف اصلی اسرائیل در نهایت عادی سازی روابط با دولت مرکزی سومالی در موگادیشو است؛ اما این اتفاق تاکنون رخ نداده است، ولی اسرائیل از همه ابزارها برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کند (عبد القوی، ۲۰۱۸). در ۱۱ فوریه ۲۰۱۰ میلادی، سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل در گفتگو با روزنامه هآرتص از آمادگی اسرائیل برای به رسمیت شناختن سومالی‌لند خبر داد (Somaliland current, 11 February 2010). اسرائیل سومالی‌لند را تاکنون به رسمیت نشناخته است.

در ارتباط با جیبوتی، اسرائیل روابط رسمی با این کشور ندارد. اسماعیل عمر غیله، رئیس‌جمهور جیبوتی در اواخر نوامبر ۲۰۲۰ میلادی اعلام کرد که این کشور برنامه‌ای برای عادی سازی روابط با اسرائیل ندارد و از حرکت سایر کشورهای عربی و اسلامی که عادی سازی روابط با اسرائیل را آغاز کرده‌اند، پیروی نخواهد کرد. وی گفت: جیبوتی مشکلی با یهودیان و اسرائیلی‌ها ندارد و برخی از اسرائیلی‌ها برای انجام تجارت با گذرنامه خود از جیبوتی دیدار می‌کنند اما جیبوتی با اسرائیل اختلافاتی دارد، چون حقوق مسلم فلسطینی‌ها را نادیده می‌گیرد (Sada El balad, 25 November 2020).

۲-۳- دلایل حضور اسرائیل در شاخ آفریقا

علل و عوامل مختلفی را می‌توان برای حضور اسرائیل و فعالیت‌های آن در فضاها آبی و ساحلی شاخ آفریقا خصوصاً در کشورهای این منطقه ذکر کرد. مجموعه‌ای از عوامل سبب توجه اسرائیل به شاخ آفریقا شده است. از جمله این عوامل، موقعیت راهبردی این منطقه و امکان استفاده از آن برای نظارت و حضور در تنگه باب‌المنندب است، چون این آبراهه، مسیر دسترسی اسرائیل به جنوب شرق آسیا و شرق آفریقا است و از طریق آن می‌تواند پایگاه نظامی در سواحل جنوبی دریای سرخ داشته باشد (محارب، ۲۰۱۳: ۴۹). در واقع، اسرائیل در پی افزایش نفوذ خود در منطقه دریای سرخ به‌ویژه در تنگه استراتژیک باب‌المنندب است و از بسته شدن این تنگه به روی کشتی‌های خود ترس دارد، چون این امر منجر به از کار افتادن بندر ایلات و مسدود شدن مسیر دریایی تجارت اسرائیل با کشورهای جنوب شرقی آسیا و کشورهای ساحل شرق آفریقا می‌شود (محارب، ۲۰۱۳: ۳۹). در جنگ اخیر اسرائیل علیه غزه (آغاز شده از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳) نیز که یمنی‌ها در دفاع از مردم

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

فلسطین و در واکنش به تداوم و شدت حملات اسرائیل و کشتار گسترده مردم غزه اقدام به توقیف کشتی‌های تجاری اسرائیلی یا حملات موشکی و پهپادی به آن‌ها در تنگه باب‌المنذب و دریای سرخ می‌کنند، مدیر اجرایی بندر ایلات اعلام کرد که از زمان آغاز این حملات، فعالیت این بندر ۸۵ درصد کاهش یافته است (Reuters, 21 December 2023). شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل نیز اعلام کرد که حجم واردات اسرائیل از شرق جهان که از دریای سرخ عبور می‌کند، بیش از ۳۵۰ میلیارد شیکل (معادل ۹۵ میلیارد دلار) در سال است که تغییر مسیر دریانوردی به سمت اسرائیل باعث افزایش ۳ درصدی قیمت کالاهای وارداتی و تحمیل بار مالی بالغ بر ۳ میلیارد دلار به تل‌آویو می‌شود (Al Mayadeen, 21 Dec 2023). در همین راستا، تلاش اسرائیل برای نفوذ در سومالی ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور است که مشرف به خلیج عدن و اقیانوس هند، مشرف به ورودی جنوبی تنگه باب‌المنذب، مسیری به دریای سرخ و کانال سوئز و در نزدیکی منابع نفتی غرب آسیا است (عبد القوی، ۲۰۱۸). یکی از دلایل نزدیک شدن اسرائیل به سومالی‌لند و طرح موضوع به رسمیت شناختن آن با اهداف احتمالی تلاش برای تسلط بر تنگه باب‌المنذب به عنوان ورودی جنوبی دریای سرخ و افزایش توان خود در نظارت بر مسیر دریایی شمال آن به ویژه از کانال سوئز و همچنین سرمایه‌گذاری برای ایجاد پایگاه نظامی و استقرار زیردریایی در بندر بربرا تحلیل می‌شود (Somaliland current, 11 February 2010).

اسرائیل از طریق تسلط بر شاخ آفریقا درصدد است تا به نیرویی مبدل شود که با تسلط بر منطقه از تبدیل دریای سرخ به «دریاچه عربی» جلوگیری کند (محراب، ۲۰۱۳: ۴۹). در واقع، اسرائیل از طریق حضور فعال و قوی در شاخ آفریقا می‌تواند به اهدافی از قبیل دسترسی به کشورهای این منطقه به عنوان عقبه استراتژیک کشورهای عربی؛ و تسلط بر دریای سرخ و تهدید امنیت ملی کشورهای عربی دست پیدا کند (یعقوب، ۲۰۱۷).

عامل دیگر اهمیت شاخ آفریقا برای اسرائیل، منبع اصلی آب نیل بودن این منطقه و اهمیت حیاتی این رود برای مصر است. اسرائیل برای تحقق اهداف خود، در دهه‌های گذشته تلاش زیادی برای برقراری روابط پنهانی و علنی با کشورهای شاخ آفریقا انجام داده است (محراب، ۲۰۱۳: ۴۹). در همین راستا، اسرائیل، اتیوپی را ابزاری برای مقابله با مصر و نقش آفرینی آن در قاره آفریقا می‌داند. اسرائیل در بطن تلاش‌ها برای تضعیف نقش و تأثیر مصر در آفریقا، در پی استفاده از اتیوپی برای

مقابله با نفوذ و نقش مصر در آفریقا بوده است. اتیوپی منشاء اصلی آب رود نیل است که اهمیتی حیاتی برای مصر دارد (محارب، ۲۰۱۳: ۳۹). مسئله دیگر، نیاز آبی اسرائیل به عنوان یکی از کم آب ترین مناطق جهان است. این وضعیت در حالی است که جمعیت آن از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ رو به افزایش بوده است (Marin & Others, 2017: 3). اسرائیل آب و هوای خشک و بیابانی دارد و فقط شمال آن دارای آب و هوای مناسب است. به ندرت هوای آن ابری و بارانی می شود. ۸۰ درصد منابع آب اسرائیل از منطقه شمال آن تأمین می شود، در حالی که ۶۵ درصد اراضی کشاورزی و بزرگترین شهرهای آن در جنوب قرار دارند. کل منابع طبیعی داخلی تجدیدپذیر اسرائیل به طور سالانه از آب شیرین، ۰٫۷۵ میلیارد متر مکعب، یعنی تقریباً ۲۶۵ متر مکعب برای هر فرد در سال است. این رقم زیر تعریف فقر آبی از سوی سازمان ملل متحد است. از نظر این سازمان، فقر آبی کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب به ازای هر نفر در سال است. خشکسالی های متعدد در طول دوره ۱۵ سال گذشته موجب آسیب پذیری منابع آب اسرائیل شده است. استفاده بیش از حد از منابع آب زیرزمینی به ویژه از آبخوان های ساحلی نیز کیفیت آب را کاهش داده است. افزایش روزافزون جمعیت هم میزان مصرف آب را هر روز بیش از پیش می کند. اسرائیل از زمان تأسیس، به افزایش تمامی منابع آب موجود قابل بازیابی اقدام کرده است. بهره برداری مداوم و بیش از اندازه، اسرائیل را با کمبود آب، افزایش ذخایر آب از طریق منابع حاشیه ای، بازیابی آب مصرف شده، شیرین کردن آب و واردات آن وادار کرده است (طیرانی شعرباف و درخشه، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۵). این مسئله سبب شده است تا اسرائیل برای تأمین آب مورد نیاز خود نگاهی هم به رود نیل و انتقال آب آن به شهرهای خود داشته باشد. از آنجایی که این انتقال احتمالی آب، باید از طریق مصر باشد، لذا اسرائیل با کمک به اتیوپی در ساخت سد النهضة یا رنسانس - که با اعتراض مداوم مصر همراه است - می تواند این کشور را تحت فشار قرار داده تا به هدف خود برسد. از سوی دیگر، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک صحرای سینا و نگاه خاص اسرائیل از گذشته به این منطقه برای دستیابی به آن، احتمال اینکه تل آویو در آینده بخواهد با ابزار حمایت از اتیوپی در ساخت سد رنسانس برای به چالش کشیدن مصر استفاده کند، وجود دارد. علاوه بر این، دور از ذهن نخواهد بود که اسرائیل برای همراه کردن مصر با سیاست های خود از موضوع احداث سد اتیوپی بر روی نیل بهره گیری

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

کند تا مصر برای جلوگیری از راه‌اندازی سد رنسانس و عدم آسیب به تأمین منابع آب مورد نیاز خود، مجبور شود از برخی منافع خود کوتاه آمده و به اسرائیل امتیاز دهد.

یک علت بسیار مهم دیگر برای حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه شاخ آفریقا، جلوگیری از نفوذ ایران است. مؤسسه تحقیقاتی استراتفور در ارتباط با حضور اسرائیل در شاخ آفریقا و اریتره در گزارشی آورده است: «حضور اسرائیل در اریتره بسیار متمرکز و دقیق است و شامل جمع‌آوری اطلاعات در دریای سرخ و رصد فعالیت‌های ایران است.» (Shazly, 2012). اسرائیل، هماهنگی و همکاری خاموشی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی در موضوع امنیت منطقه‌ای و نگرانی از دسترسی و نفوذ دریایی ایران در دریای سرخ و در همسایگی خود دارد. اسرائیل روابط دیپلماتیک و امنیتی فعال خود را با کشورهای منطقه شاخ آفریقا حفظ کرده است، با این حال، بخشی از این حفظ روابط تا حدودی برای به چالش کشیدن نفوذ ایران است، هدفی که اسرائیل در آن با عربستان سعودی و امارات متحده عربی مشترک است (Vertin, 2019: 26).

عامل دیگر حضور اسرائیل در شاخ آفریقا همراهی با سیاست‌های آمریکا در این منطقه است. اسرائیل به ایالات متحده آمریکا برای نفوذ در قاره آفریقا کمک می‌کند و اجرا کننده برنامه‌های ایالات متحده آمریکا است (عبد الجواد محمد، ۲۰۱۹: ۳۵۵). این کشور در ابعاد مختلف در قاره آفریقا حضور و نفوذ دارد و دلایل متنوعی هم برای این حضور مطرح است. یکی از متحدان آن، اسرائیل است که طرح‌های مشترکی را با ایالات متحده آمریکا در آفریقا پیگیری می‌کند. براساس آنچه که از مراجع رسمی منتشر شده است، در سال ۲۰۱۹، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و آژانس همکاری و توسعه بین‌المللی در وزارت خارجه اسرائیل (ماشاو^۱)، تفاهم‌نامه جهانی برای همکاری توسعه امضا کردند و از آن زمان، این دو آژانس به صورت سه جانبه با کشورهای اروپا، آمریکای مرکزی، غرب آسیا و آفریقا در بخش‌هایی مانند فناوری آب، کشاورزی و آموزش همکاری می‌کنند. در همین سال، مرکز پاور آفریقا آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا^۲ و اسرائیل تفاهم‌نامه‌ای را در موضوع کمبود انرژی و توسعه دسترسی به انرژی امضا کردند و اسرائیل متعهد شد تا ۳۰۰ مگاوات پروژه‌های تولید برق در جنوب صحرای آفریقا را از طریق بخش

¹ Mashav

² USAID Power Africa

خصوصی خود تأمین مالی کند (U.S. Department of State, 2023). مواردی هم از دخالت اسرائیل در سازماندهی یا فروش غیرقانونی سلاح یا خدمات به چندین کشور آفریقایی وجود دارد که بخشی از آن با همکاری غیر رسمی آمریکایی‌ها انجام شده است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ نیز صادرات تجهیزات و فناوری از اسرائیل به آنچه که دشمنان بالقوه و «کشورهای مورد نگرانی» برای ایالات متحده تلقی شده بود، از جمله کشور آفریقایی آنگولا - که طبق گزارش‌ها در آن زمان تجهیزات پیشرفته اطلاعاتی از اسرائیل دریافت می‌کرد، منجر به اختلاف اسرائیل با ایالات متحده و اعتراض این کشور شد و اسرائیل با فشار آمریکا، مقصد صادرات و اجرای مقررات را تغییر داد (Wezeman, 2011: 8 - 10).

۴- تجزیه و تحلیل

یکی از دلایل حضور و فعالیت اسرائیل در شاخ آفریقا «تلاش برای تسلط بر موقعیت راهبردی فضاهاى آبی خلیج عدن، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ و فضاهاى ساحلی» این منطقه است. اسرائیل برقراری امنیت در مسیرهای تجاری دریایی در خلیج عدن، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ را برای اقتصاد و تجارت خود بسیار با اهمیت و حیاتی تلقی می‌کند و هر گونه اختلال در روند عبور و مرور در این مسیرهای آبی را عامل تعطیلی بندر ایالات و ضربه به اقتصاد و تجارت خود می‌داند. در جنگ اخیر اسرائیل علیه غزه (آغاز شده از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳) نیز که یمنی‌ها در دفاع از مردم فلسطین اقدام به توقیف کشتی‌های تجاری اسرائیلی یا حملات موشکی و پهپادی به آن‌ها در تنگه باب‌المندب و دریای سرخ می‌کنند، واکنش اسرائیل و کشورهای تردد کننده از این مسیر دریایی، اهمیت آن را بیش از پیش نمایان کرده است و از آنجایی که فضاهاى آبی و ساحلی شاخ آفریقا یک منطقه ژئوپلیتیکی مهم برای جهان و کشورهای منطقه به حساب می‌آیند، در چارچوب مباحث ژئوپلیتیک، این فضاها برای اسرائیل دارای ارزش ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است. اسرائیل نسبت به شاخ آفریقا «تعلق ژئوپلیتیکی» دارد و این منطقه را مکمل فضایی و جغرافیایی در مرزها و ماورای مرزهای خود می‌داند که برای آن، کارکرد تأمین نیازها و رفع کاستی‌ها در بعد اقتصادی و تجاری برای ادامه فعالیت بندر ایالات و برقراری تجارت با کشورهای شرق آفریقا، و جنوب و جنوب شرق آسیا را از طریق مسیرهای تجاری آبی دارد. این مسئله و احساس تعلق

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

ژئوپلیتیکی، ضرورت و نیاز اسرائیل برای بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های «ژئواکونومیک» شاخ آفریقا را نیز نمایان می‌کند. همچنین، اسرائیل به دلیل وابستگی منافع و اهداف خود به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی و موقعیتی شاخ آفریقا اعم از فضاها، آبی خلیج عدن، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ، و کشورهای آفریقایی ساحل این منطقه به ویژه سومالی، جیبوتی و اریتره، «وابستگی ژئوپلیتیکی» به این منطقه دارد. این وابستگی نیز به دلیل نیاز ضروری اسرائیل به شاخ آفریقا، در سطح بالا قرار داشته و در گذر زمان به نظر نمی‌رسد در کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت بتواند آن را کاهش داده یا کامل از بین ببرد؛ لذا نیاز دارد تا با اتخاذ برنامه‌ها، سیاست‌ها و «راهبردهای ژئوپلیتیکی»، حضور فعال خود را در منطقه حفظ و افزایش دهد. به عبارتی، اسرائیل در شاخ آفریقا در حال توسعه نفوذ و «قلمروسازی»، و همراه کردن نخبگان سیاسی و ساکنان مکان‌ها و فضاها، این منطقه است.

دلیل دوم اسرائیل برای نفوذ و حضور در شاخ آفریقا «جلوگیری از تسلط کامل کشورهای عربی بر فضاها، آبی و ساحلی شاخ آفریقا و عدم برخورداری این منطقه از هویتی عربی» است. اسرائیل به دلیل ماهیت تأسیس خود که حاصل اشغال‌گری در کشور فلسطین و در سطح وسیع‌تر اشغال بخشی از سرزمین و منطقه عربی است، با وجود برخی عادی‌سازی‌ها در روابط آن با چند کشور عربی، همچنان مورد اعتراض و دشمنی ملت‌های عربی و برخی دولت‌های عرب است. این مسئله و بازنمایی آن به عنوان یک تهدید برای امنیت و موجودیت خود، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد. تسلط دولت‌های عربی بر فضاها، آبی و ساحلی شاخ آفریقا «چالش ژئوپلیتیکی» برای اسرائیل است که با به کارگیری ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و موقعیتی ژئوپلیتیکی منطقه شاخ آفریقا می‌تواند سیاست‌ها و راهبردهای تل‌آویو را به عنوان یک بازیگر رقیب، منفعل کند. از طرفی، اسرائیل با توسعه روابط خود با کشورهای ساحلی شاخ آفریقا درصدد است تا از «انزوای ژئوپلیتیکی» که حاصل کاهش یا قطع روابط سایر کشورها خصوصاً همسایگان عربی با آن است و موجودیت سیستم سیاسی، ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی و امنیت آن را تهدید می‌کند، خارج شود.

دلیل دیگر اسرائیل برای حضور و فعالیت در شاخ آفریقا خصوصاً در اتیوپی، «تأثیرگذاری بر مصر با هدف تحقق سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای خود» است. اسرائیل پس از اشغال سرزمین فلسطین و تأسیس دولت، با مصر به عنوان یک کشور عربی تأثیرگذار و با سابقه تمدنی غنی هم‌مرز شد.

نزدیکی جغرافیایی این کشور با اسرائیل، موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک سرزمین مصر در ساحل دریاهای سرخ و مدیترانه و برخورداری از کانال سوئز و صحرای سینا، و تداوم روحیه اشغال‌گری اسرائیل و طمع آن نسبت به فضای سرزمینی مصر، تاریخ سیاسی پر فراز و نشیبی توأم با جنگ و صلح را در روابط دو طرف رقم زده است. لزوم همراهی مصر با سیاست‌ها و برنامه‌های اسرائیل یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در تأمین نیازهای تل‌آویو است و به نظر می‌رسد در آینده نیز نقش این مؤلفه پررنگ‌تر باشد. اسرائیل یک «کد ژئوپلیتیکی» یا به عبارتی دستور کار عملیاتی سیاست خارجی در آن سوی مرز خود و در سطح محلی و منطقه‌ای درباره مصر دارد و در تلاش است تا برای رسیدن به اهداف و تحقق منافع خود بر کدهای ژئوپلیتیکی این کشور تأثیرگذار باشد. اسرائیل به عنوان یکی از ابزارها برای مقابله با نفوذ و تأثیرگذاری مصر در میان کشورهای آفریقایی خصوصاً در شرق این قاره، کاستن از بحران مقبولیت در میان کشورهای عربی و همسایه عرب، تأمین نیاز آبی ساکنان شهرک‌های خود، بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک صحرای سینا و... فعالیت در شاخ آفریقا و همراهی دولت‌های این منطقه با خود را پیگیری می‌کند. مهمترین مسئله در این زمینه، حمایت اسرائیل از اتیوپی در ساخت سد رنسانس است؛ سدی که به دلیل احداث بر روی رود نیل تبدیل به یک «بحران ژئوپلیتیکی» در روابط این کشور با مصر وابسته به آب این رود، شده است. اهداف اسرائیل در حمایت آشکار در ساخت سد، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد. اسرائیل با همراهی و حمایت از اتیوپی به عنوان بازیگر در حال مناقشه با مصر، در صدد است تا از ابزار حیاتی وابستگی این کشور به رود نیل، تحت فشار قرار دادن آن و ایجاد «چالش ژئوپلیتیکی» از طریق به کارگیری یک عنصر مهم و حیاتی طبیعی و جغرافیایی با عنوان رود نیل، مصر را برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی‌اش با خود همراه سازد. اسرائیل از یک سو، با «قلمروسازی» در فضاهای آبی و ساحلی شاخ آفریقا و کشورهای این منطقه در تلاش برای نفوذ و تسلط بر آن است که در این مسیر یکی از اهداف، خنثی کردن نفوذ و تأثیرگذاری مصر در این منطقه و همچنین در شرق آفریقا، و همراه کردن آن با سیاست‌های خود است. از سوی دیگر، اسرائیل به دلیل قرار داشتن در «انزوای ژئوپلیتیکی» و مواجهه با بحران مقبولیت در میان ملت‌ها و کشورهای مسلمان و عرب، نیاز به همراه کردن مصر به عنوان یک کشور همسایه مهم عربی و اسلامی با سابقه تمدنی غنی دارد تا بتواند تا حدی، از میزان «انزوای ژئوپلیتیکی» و بحران مقبولیت خود بکاهد. یک هدف

تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

دیگر اسرائیل که فعلاً غیر علنی است، تلاش برای تأمین آب مورد نیاز شهرک‌نشینان خود از طریق رود نیل است که باید با واسطه سرزمینی مصر و همراهی کامل این کشور انجام شود و در این مسیر، وارد آوردن فشار از طریق موضوع سد رنسانس یک سیاست راهبردی اسرائیل است. این موضوع در چارچوب ماهیت ژئوپلیتیکی، از ویژگی «هیدروپلیتیکی» نیز برخوردار است و می‌تواند در جهت عکس، باعث وقوع منازعه جدید و جدی در منطقه شود. فشار بر مصر برای تحمیل خواسته و همراه کردن آن با سیاست‌ها و اهداف از سوی اسرائیل، می‌تواند شامل تمایلات قلمروگسترانه تل‌آویو در صحرای سینا نیز باشد تا از این طریق، زمینه تحقق هدف ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود در تسلط بر این منطقه را فراهم کند.

عامل چهارم مؤثر در حضور فعال اسرائیل در شاخ آفریقا، «مقابله با نفوذ و تأثیرگذاری ایران در فضاهاى آبی و ساحلی» این منطقه است. ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شمسی / ۱۹۷۹ میلادی و تعریف اهداف و آرمان‌های خود در سیاست خارجی، تبدیل به یک کشور مخالف برای اسرائیل شد. ایران دوره پهلوی یکی از متحدان منطقه‌ای اسرائیل بود اما با پیروزی انقلاب اسلامی و طرح موضوع ضرورت دفاع از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان و دفاع از بیت‌المقدس به عنوان قبله اول مسلمانان، این کشور به جمع مخالفان موجودیت اسرائیل در منطقه جنوب غرب آسیا پیوست. یک «کد ژئوپلیتیکی» و برنامه عملیاتی سیاست خارجی تل‌آویو مقابله با نفوذ و حضور ایران در مناطق پیرامونی خود و خنثی کردن فعالیت‌های آن است که در این راستا، فضاهاى آبی و ساحلی شاخ آفریقا از جمله مناطق مهم برای مقابله با ایران تلقی می‌شود. اسرائیل با تلاش برای «قلمروسازی» و «قلمروگستری» در این منطقه، در صدد ایجاد «چالش ژئوپلیتیکی» با هدف منفعل و خنثی کردن تأثیرگذاری ایران در فضاهاى آبی و ساحلی آن و تبدیل دولت‌های شاخ آفریقا به مخالفان جمهوری اسلامی ایران است. اسرائیل با «برساخت ژئوپلیتیکی» از اهداف و راهبردهای ایران در منطقه جنوب غرب آسیا درباره خود، این موضوع را یک تهدید امنیت ملی و علیه موجودیت و بقای اسرائیل اعلام کرده و سیاست‌های تقابلی و تلاش برای «انزوای ژئوپلیتیکی» ایران را در چارچوب یک «راهبرد ژئوپلیتیکی» پیگیری می‌کند.

یک عامل مطرح دیگر برای نقش‌آفرینی اسرائیل در شاخ آفریقا «همکاری در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا در فضاهاى آبی و ساحلی» این منطقه است. اسرائیل همواره یک متحد اصلی

برای ایالات متحده آمریکا در منطقه جنوب غرب آسیا و مناطق پیرامونی آن بوده و نقش مهمی در پیگیری و اجرای سیاست‌های آن داشته است. شاخ آفریقا به دلیل مزیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک یکی از مناطق مهم و مورد توجه برای ایالات متحده آمریکا است که بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های آن در چارچوب همکاری اسرائیل به عنوان یک متحد برای تحقق اهداف و علایق ژئوپلیتیکی در این منطقه به انجام می‌رسد.

نتیجه گیری

اسرائیل اهداف مختلفی را برای حضور در منطقه شاخ آفریقا و آب‌های مجاور آن پیگیری می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در موارد ذیل دانست: تسلط بر موقعیت راهبردی شاخ آفریقا و امکان استفاده از آن برای نظارت و حضور در تنگه باب‌المنندب؛ جلوگیری از تسلط کامل کشورهای عربی منطقه بر دریای سرخ و عدم تبدیل آن به دریای عربی؛ تلاش برای تسلط بر سرچشمه‌های رود نیل از طریق حضور در کشورهای که سرچشمه این رود هستند خصوصاً اتیوپی، با هدف استفاده از آن برای تحت فشار قرار دادن مصر و همچنین تأمین بخشی از نیازهای آبی خود از طریق نیل؛ جلوگیری از تسلط ایران بر شاخ آفریقا و مقابله با نفوذ این کشور در منطقه؛ و همراهی و پیگیری سیاست‌های آمریکا در منطقه شاخ آفریقا.

پیگیری این اهداف بخشی از علل حضور اسرائیل در شاخ آفریقا است. تجزیه و تحلیل علل و عوامل مؤثر در حضور تل‌آویو در این منطقه نشان می‌دهد که در بطن اهداف و علل این حضور، «ژئوپلیتیک» قرار دارد. به عبارتی این علل از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار هستند.

عامل «تلاش اسرائیل برای تسلط بر موقعیت راهبردی فضاها و آب‌های آبی خلیج عدن، تنگه باب‌المنندب و دریای سرخ و فضاها و ساحلی» در بطن خود، «وابستگی ژئوپلیتیکی» و «تعلق ژئوپلیتیکی» به شاخ آفریقا به عنوان مکمل فضایی و جغرافیایی در مرزها و ماورای مرزها برای تأمین نیازهای اقتصادی و تجاری برای ادامه فعالیت بندر ایلات و برقراری تجارت با شرق آفریقا، و جنوب و جنوب شرق آسیا؛ بهره‌گیری از پتانسیل‌های «ژئواکونومیک» شاخ آفریقا؛ اتخاذ «راهبردهای ژئوپلیتیکی» برای حفظ و افزایش حضور در این منطقه؛ و توسعه نفوذ و «قلمروسازی» را دارد.

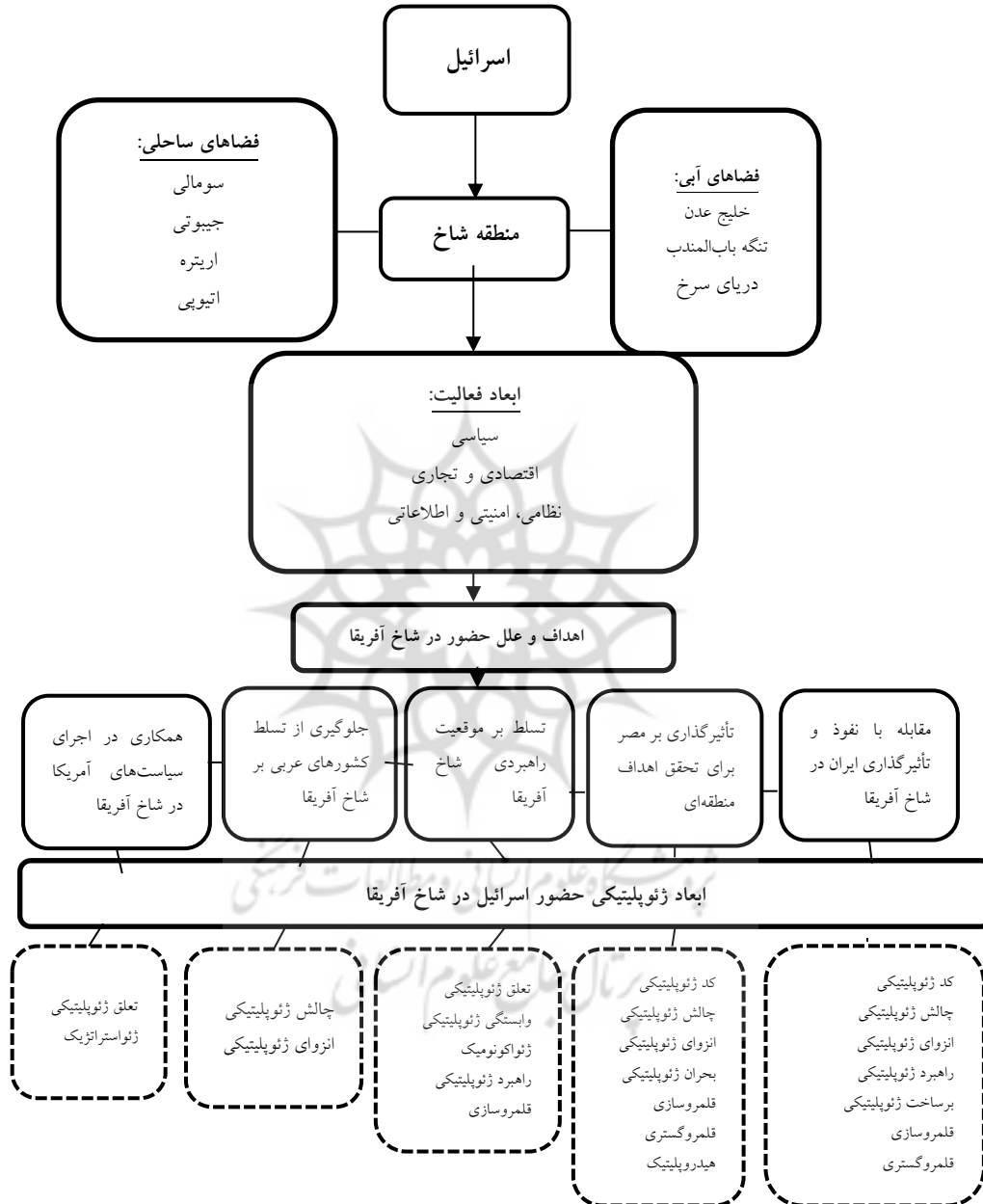
تبیین ژئوپلیتیکی حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در شاخ آفریقا: مطالعه موردی رژیم صهیونیستی

در موضوع مؤلفه «جلوگیری از تسلط کامل کشورهای عربی بر فضاهاى آبی و ساحلى شاخ آفریقا و عدم برخوردارى این منطقه از هویت عربى»، تسلط دولت‌هاى عربى بر شاخ آفریقا «چالش ژئوپلیتیکی» برای اسرائیل است؛ لذا تل آویو با توسعه روابط با کشورهای شاخ آفریقا درصدد خروج از «انزوای ژئوپلیتیکی» ناشی از کاهش یا قطع روابط سایر کشورها خصوصاً همسایگان عربی است. در مبحث «تلاش اسرائیل برای تأثیرگذاری بر مصر با هدف تحقق سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای خود»، یک «کد ژئوپلیتیکی» اسرائیل در سطح محلی و منطقه‌ای، درباره مصر و تأثیرگذاری بر کدهای ژئوپلیتیکی این کشور است. ساخت سد رنسانس توسط اتیوپی یک «بحران ژئوپلیتیکی» در روابط این کشور با مصر و یک «چالش ژئوپلیتیکی» از سوی اسرائیل با ابزار رود نیل علیه مصر، با هدف همراهی این کشور برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی و کاستن از «انزوای ژئوپلیتیکی» خود است. در موضوع فشار بر مصر، «قلمروسازی» و «قلمروگستری» خصوصاً در صحراى سینا و مسئله «هیدروپلیتیکی» دستیابی به آب نیل برای رفع نیاز داخلی نیز نهفته است.

در زمینه «تلاش اسرائیل برای مقابله با نفوذ و تأثیرگذاری ایران در فضاهاى آبی و ساحلى شاخ آفریقا»، مقابله با حضور ایران در مناطق پیرامونی و خنثی کردن فعالیت‌هاى آن یک «کد ژئوپلیتیکی» برای تل آویو است. اسرائیل با «برساخت ژئوپلیتیکی» ایران به عنوان یک تهدید امنیت ملی علیه بقای خود و طراحی «راهبرد ژئوپلیتیکی»، در تلاش برای «قلمروسازی» و «قلمروگستری» در شاخ آفریقا، ایجاد «چالش ژئوپلیتیکی» برای ایران و «انزوای ژئوپلیتیکی» آن است.

در مبحث «همکاری اسرائیل در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هاى آمریکا در فضاهاى آبی و ساحلى شاخ آفریقا»، این منطقه به دلیل مزیت‌هاى ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مورد توجه ایالات متحده آمریکا است که بخشی از برنامه‌ها برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خود با همکاری اسرائیل به عنوان یک متحد منطقه‌ای انجام می‌شود.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام



مدل ۱: حضور اسرائیل در شاخ آفریقا از منظر ژئوپلیتیک (منبع: نگارنده)

منابع و مأخذ

- امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۱). شاخ آفریقا و امنیت ملی ایران. *فصلنامه مطالعات آفریقا*، ۷(۶)، ۸۴-۳۹.
- بیوک، محسن؛ فرجی راد، عبدالرضا و عزتی، عزت اله. (۱۳۹۷). تبیین استراتژی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۳۴)، ۵۰-۲۶.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- حافظنیا محمدرضا. (۱۳۸۴). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.
- حافظنیا محمدرضا و رومینا، ابراهیم. (۱۳۹۶). تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲(۲)، ۲۰-۹.
- حافظنیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۹۳). *فلسفه جغرافیای سیاسی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شادمانی، مهدیه و یزدانی، عنایت الله. (۱۳۹۷). دکترین اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۱۰(۴۰)، ۱۶۸-۱۴۷.
- طیرانی شهرباف، محمدرضا و درخشه، جلال. (۱۳۹۹). فرآیند دولت - ملت سازی در اسرائیل؛ چالشی در مسیر ماندگاری و بقاء. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۱۰(۲)، ۱-۲۹.
- عباسی، مجید؛ قیاسی، امیر و باباجانی پور، زهرا. (۱۳۹۲). راهبرد "اتحاد پیرامونی" رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۷(۱)، ۱۹۸-۱۷۵.
- عزتی عزت ا... (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
- جوده شقلبه، نائل عیسی. (۲۰۱۳). *السیاسة الخارجية "الإسرائيلية" تجاه منطقة القرن الإفريقي وأثرها على الأمن القومي العربي*: ۲۰۱۱-۱۹۹۱. رسالة ماجستير، غزة: جامعة الأزهر، كلية الاقتصاد والعلوم الإدارية.
- عبد الجواد محمد، محمد. (۲۰۱۹). *السیاسة الإسرائيلية نحو القرن الإفريقي وتأثيرها على الأمن القومي العربي وأمن منطقة البحر الأحمر. المجلة العلمية للدراسات التجارية والبيئية*، المجلد ۱۰، العدد الرابع الجزء الثاني، الرقم المسلسل للعدد ۴، الخريف، ۳۶۴-۳۲۷.
- عبد القوی، سامی صبری. (۲۰۱۸). *إسرائيل والصومال بين التغلغل ومحاولات التطبيع، تقارير وتحليلات، قراءات إفريقية*: <https://b2n.ir/472583>
- محارب محمود. (۲۰۱۳). *إسرائيل والقرن الأفريقي: العلاقات والتدخلات. سياسات عربية*، العدد ۳، تموز/ يوليو.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- محمود أحمد. (۲۰۱۸). تطور العلاقات "الإسرائيلية" - الأفريقية، دراسات وبحوث. *قراءات أفريقية*:
<https://b2n.ir/355610>
- يعقوب بوفراش. (۲۰۱۷). السياسة الخارجية الإسرائيلية تجاه دول القارة الإفريقية. *المركز الديمقراطي العربي للدراسات الإستراتيجية والسياسية والاقتصادية*: <https://democraticac.de/?p=43277>
- Agnew, J., Mitchell, K., Toal, G. (2003). *A Companion to Political Geography*. Blackwell Publishing Ltd.
- Al Mayadeen*. (2023). 'Israel' eyes stabilizing staggering economy by pumping from reserves. 21 Dec 2023. Retrieved from: <https://english.almayadeen.net/news/Economy/-israel--eyes-stabilizing-staggering-economy-by-pumping-from>
- Anssi, P. (2003). Territory. In: *A companion to political geography*. Agnew John, Mitchell Katharyne, and Toal Gerard, UK: Blackwell.
- Bayram, M. (2018). The Fact and Fiction in Eritrea's Middle East Policy, *International Journal of African and Asian Studies*, Vol.43.
- Hassig, S., Abdul, M., Latif, Z. (2007). *Somalia (Cultures of the World - Group 13)*. New York: Marshall Cavendish.
- Marin, P., Tal, S., Yeres, J., Ringskog, K. (2017). Water Management in Israel: Key Innovations and Lessons Learned for Water Scarce Countries. Washington, DC: *World Bank*. Retrieved from: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/28097>
- Middle East Monitor*. (2019). Netanyahu calls for Israel-Ethiopia security coordination. 2 September 2019. Retrieved from: <https://www.middleeastmonitor.com/20190902-netanyahu-calls-for-israel-ethiopia-security-coordination/>
- Oded, A. (2010). Africa in Israeli Foreign Policy—Expectations and Disenchantment: Historical and Diplomatic Aspects. *Israel Studies*, Vol. 15, No. 3, Pp. 121-142.
- Reuters*, Israel's Eilat Port sees 85% drop in activity amid Red Sea Houthi attacks, 21 December 2023. Retrieved from: <https://www.reuters.com/world/middle-east/israels-eilat-port-sees-85-drop-activity-amid-red-sea-houthi-attacks-2023-12-21/>
- Sada El balad*. (2020). Djibouti Rules out Normalization Possibility with Israel, 25 November 2020. Retrieved from: <https://see.news/djibouti-rules-out-normalization-possibility-with-israel/>
- Shazly Ashraf, Eritrea: Another venue for the Iran-Israel rivalry, *Stratfor*, 11 Dec 2012. Retrieved from: <https://worldview.stratfor.com/article/eritrea-another-venue-iran-israel-rivalry>
- Somaliland current*. (2010). Israel says ready to recognize Somaliland, 11 February 2010. Retrieved from: <https://www.somalilandcurrent.com/2010/02/11/israel-says-ready-to-recognize-somaliland/>
- Taylor, P. (1994). *Political Geography*, England: Longman Scientific & Technical.
- U.S. Department of State*. (2023). New and Ongoing U.S.-Israel Cooperation on Science, Technology, and Innovation, Fact Sheet, Office of the Spokesperson,

- JULY 19. Retrieved from: <https://www.state.gov/new-and-ongoing-u-s-israel-cooperation-on-science-technology-and-innovation/>
- Van, d., Berg, W., Meester, J. (2019). Turkey in the Horn of Africa: Between the Ankara Consensus and the Gulf Crisis, CRU Policy Brief, Clingendael. *Netherlands Institute of International Relations*, May. Retrieved from: https://www.clingendael.org/sites/default/files/2019-05/PB_Turkey_in_the_Horn_of_Africa_May_2019.pdf
- Vertin, Z. (2019). Toward a Red Sea Forum: The Gulf, the Horn of Africa, & Architecture for a New Regional Order, Brookings Doha Center Analysis Paper, Number 27, November, *Brookings Institution*. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/10/Red-Sea-Forum-English-Web.pdf>
- Wezeman, S.T. (2011). Israeli Arms Transfers to Sub-Saharan Africa, SIPRI Background Paper, Sweden: *Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)*. Retrieved from: <https://www.sipri.org/sites/default/files/files/misc/SIPRIBP1110.pdf>
- Woo Edward.K. (2014). *The JIIM Domain: Examination of U.S. Military Sustainment Assistance Following North Korean Regime Collapse*, A thesis presented to the Faculty of the U.S. Army Command and General Staff College in partial fulfillment of the requirements for the degree, New York: New York University.
- Zielińska, K. (2020). *Israel's Periphery Doctrine Prospects for Defining and Studying a Foreign Policy Practice*, *Politické vedy* [online], Vol. 23, No. 2, Pp 219-245. Doi: doi.org/10.24040/politicevedy.2020.23.2.219-245 .